

۱۰۰- تحذی قرآن

قرآن کریم در چند مورد ادعای معجزه بودن دارد. می‌فرماید: هیچ بشری نمی‌تواند نظیرش را بیاورد و این کتاب، بی‌تردید از ناحیه خداست و تا زمین و زمان باقی است بر اعجاز خود پا برجاست. از این رو، برای اثبات این ادعا، تحذی و منکران را به مبارزه و معارضه طلبیده است. تعبیرات قرآن دربارهٔ تحذی متفاوت است.

الف - (اگر راست می‌گویید) مانند این قرآن را بیاورید: «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله و لو کان بعضهم لعض ظهیراً» (اسراء: ۸۷)

ب - (اگر راست می‌گویید) ده سوره مانند قرآن بیاورید: «ام یقولون افتریه قل فاتوا بعشر سوره مثله» (هود: ۱۳)

ج - (اگر راست می‌گویید) یک سوره مانند قرآن بیاورید: «ام یقولون افتریه قل فاتوا سوره مثله» (یونس: ۳۸)

د - (اگر راست می‌گویید) سخنی مانند قرآن بیاورید: «فلیأتوا بحدیث مثله» (طور: ۳۴) (۱)

۱۰۱- ستر نامگذاری قرآن به فرقان

هر چیزی که حق را از باطل مشخص سازد، فرقان نام دارد. از این رو، از روز جنگ بدر، قرآن به «یوم الفرقان» (انفعال: ۴۹) تعبیر شده است؛ زیرا در آن روز ارتش کوچکی که فاقد هر گونه ساز و برگ جنگی بود، سپاه نیرومندی را که از هر جهت برتری داشت، شکست داد. همچنین به معجزات نه گانهٔ موسی نیز فرقان اطلاق شده است. «و اذ اتینا موسی الکتاب و الفرقان» (بقره: ۵۳) و نیز گاهی به عقل و روشن بینی «فرقان» گفته می‌شود: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقاناً» (انفعال: ۳۹). قرآن نیز به فرقان ستوده شده است؛ چون وسیله‌ای است که حق را از باطل مشخص می‌سازد. (۲)

۱۰۲- ستر نامگذاری رمضان

شهر رمضان الذین انزل فیهِ القرآن (بقره: ۱۸۵). رمضان ماهی است که هم بشوید، هم بسوزد. بشوید به آب توبه دل‌های مجرمان، بسوزد به آتش گرسنگی تن‌های بندگان. اشتقاق



رمضان یا از «رمضاء» به معنای سنگ گرمی است که بر هر چه بنهند، بسوزد یا از «رمض» به معنای باران است که بر هر چه رسد، آن را بشوید. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند که رمضان به چه معناست؟ حضرت فرمودند: «ارمض الله فیهِ ذنوب المؤمنین و غفر الله لهم» ماهی است که در آن گناهان مؤمنان پاک و شسته شود و خداوند ایشان را بیامرزد. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: اگر خداوند می‌خواست که امت پیامبر

۱. حضرت ابراهیم علیه السلام در این روز، نسبت به آنچه قبلاً برای او توصیف شده بود، معرفت و شناخت پیدا کرد.
۲. حضرت آدم علیه السلام و حوا در این مکان اجتماع پیدا کردند و یکدیگر را شناختند، پس از آن که از هم جدا شده بودند.
۳. به مناسبت رفعت و علو مکان، این محل بدین اسم (عرفات) نامیده شده است.
۴. آنجا جبرئیل مناسک حج را به ابراهیم علیه السلام

محمد فولادی

واژه‌شناسی

اکرم صلی الله علیه و آله را عذاب کند، ماه رمضان را به آنان نمی‌داد. (۳)

۱۰۳- ستر نام گذاری عرفات

عرفات بیابان وسیعی است در چهار فرسخی مکه که حاجیان ظهر تا غروب در نهم ذی الحجه در آنجا می‌مانند. در نام گذاری این سرزمین به عرفات، جهات گوناگون ذکر شده است: مرحوم طبرسی شش جهت و فخر رازی ده جهت را بیان کرده است که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

تعلیم داده و ابراهیم علیه السلام به او گفت: «عرفت عرفت» شناختم، شناختم.

۵. عرفه، مشفق از اعتراف است؛ زیرا حجاج هنگام وقوف در آن به عظمت و جلال الهی و به فقر و ذلت خود اقرار می‌کنند و گفته شده که حضرت آدم و حوا در آنجا وقوف کردند و گفتند: «ربنا ظلمنا انفسنا» (اعراف: ۲۳) (۴)

۱۰۴- تفسیر به رای

تفسیر به رای بدان معنی است که انسان آرا و

نظراتی را به عنوان پیش فرض‌ها تردیدناپذیر کسب نموده، سپس به قرآن کریم مراجعه نماید و مفهوم آیات الهی را بر اساس همان نظرات شخصی خود به دست آورد. به عبارت دیگر، قرآن کریم را با آرای خویش تطبیق دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که قرآن را بر اساس نظر و رأی خویش تفسیر کند، در صورتی که اشتباه تفسیر کرده باشد، مجازات عمل خود را خواهد دید و چنانچه تفسیر او صحیح باشد، هیچ پاداشی نخواهد داشت. (۵)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: خداوند

مبعوث نگشته و نخواهد شد. حتی سایر ادیان و پیروان آنان نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام را مسأله خاتمیت می‌دانند. تاریخ گذشته نیز شاهی بر این مدعاست؛ چرا که می‌بینیم هر گاه کسانی پیدا می‌شدند و ادعایی بر خلاف این ضرورت مهم اسلام یعنی خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشتند، مردم در مقابل آنان مقاومت کرده، آنان را تکذیب می‌کردند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ما کان محمدٌ اباً احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله

بابت النبوة. و اگر به معنی فعل ماضی یعنی خاتم قرائت شود، یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با نبوت خویش، سلسله انبیای آسمانی را خاتمه بخشید. به هر حال و در هر صورت، خاتم به معنی این است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پایان بخش سلسله رسولان الهی بوده است و کسی است که با آمدن وی باب نبوت بسته شده است. (۷)

۱۰۶- رجعت

اصل مسأله رجعت یکی از اصول اساسی مورد اتفاق علمای بزرگوار شیعه بوده و از ضروریات

مذهب تشیع محسوب

می‌شود و انکار آن موجب

خروج و انحراف از دین

خواهد بود. امام صادق علیه السلام

می‌فرماید: هر کس به

رجعت ایمان نداشته باشد

و متعه (عقد موقت) را جایز

نداند از ما نیست. (۸)

منظور از «رجعت» بازگشت

انسان به زندگی دنیای

پس از مرگ است و این

حوادث پس از ظهور و

شهادت حضرت حجت

(عج) روی خواهد داشت.

اجمالاً اصل وجود مسأله‌ای

به نام رجعت و بازگشت

اثمه و دست کم گروهی از

مردم به این دنیا پس از

انقضای امامت حضرت

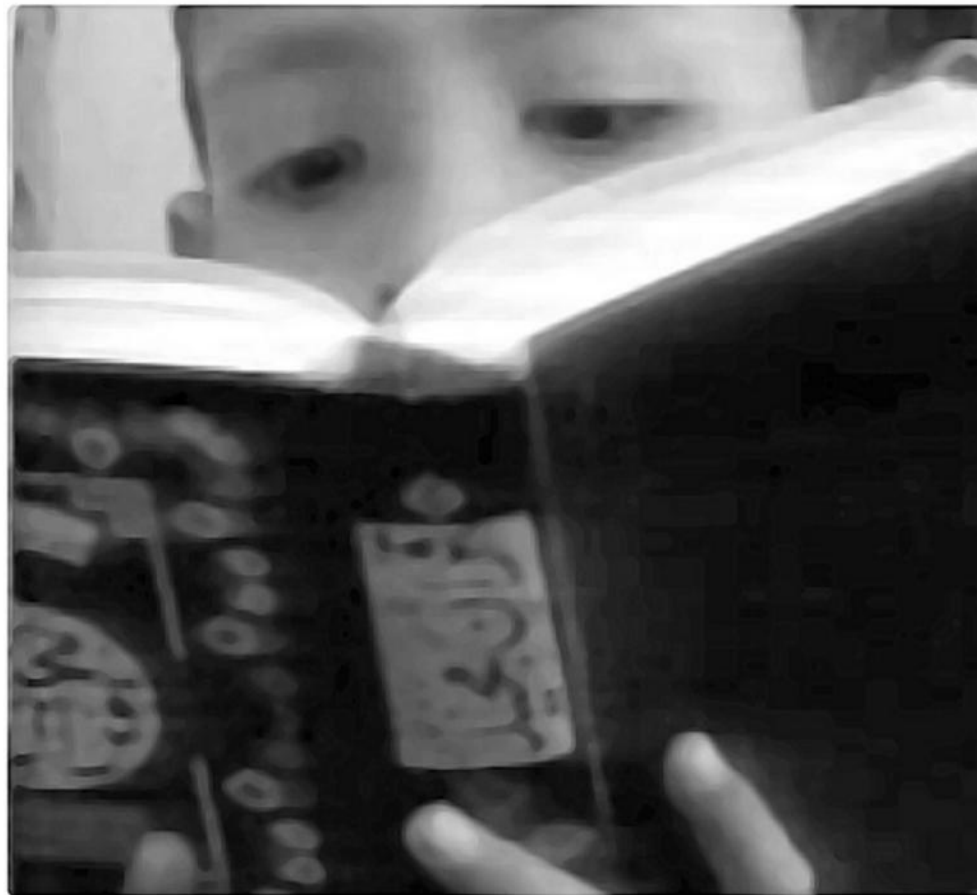
حجت، اصلی اعتقادی و

مهم و مورد پذیرش و

توصیه و تأکید منابع دینی

است. اما جزئیات آن به

خوبی روشن نمی‌باشد. (۹)



عزوجل فرمود: کسی که سخن مرا به رأی خود تفسیر کند، هرگز به من ایمان نیاورد. و کسی که مرا به آفریدگانم، تشبیه کند، هرگز مرا نشناخته و بر دین مورد پذیرش من نیست. (۶)

۱۰۵- خاتمیت

یکی از مهم‌ترین ضروریات اسلام مسأله خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که بر اساس آن، هر فرد مسلمان معتقد است که پس از پیامبر اسلام، دیگر پیامبری از جانب خداوند به رسالت

یکل شیء علیماً» محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، بلکه او فرستاده الهی بوده، ختم‌کننده باب نبوت و آخرین نبی آسمان است و خداوند از هر امری آگاه است.». واژه خاتم هم به کسر خايم و هم به فتح خاتم قرائت شده است. خاتم به معنای ختم‌کننده و پایان بخش است. اما بنا بر قرائت مشهور عاصم، خاتم هم به صورت اسمی و هم به صورت فعلی استعمال می‌شود. خاتم به معنای اسمی، یعنی، آخر و پایان و به معنای فعلی یعنی المختوم به

پی نوشت:

۱. هزار و یک نکته از قرآن کریم، دهقان، ص ۲۶۵.
۲. همان، ص ۲۷۰.
۳. کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۹۵.
۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۵ به نقل از هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۳۰۱.
۵. بحار الانوار، ج ۹۲، باب دهم، ص ۱۱۰، ج ۱۱.
۶. همان، ص ۱۰۷، ج ۱.
۷. آموزش عقاید، ج ۲، محسن غمرویان و دیگران، ج ۱، دارالعلم، ص ۱۹۳.
۸. الايقاظ من الهجعه، باب ۱۰، ص ۳۰۰، ج ۱ به نقل از: آموزش عقاید، همان، ص ۳۹۶.
۹. رک به، آموزش عقاید، همان، ص ۳۹۶.

